

بررسی وضعیت دوام ازدواج در استان فارس

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۴

کد مقاله: ۶۵۹۲۷

فاطمه بیتا^{۱*}، فرشاد کرمی^۲

چکیده

هدف مقاله بررسی وضعیت دوام ازدواج منجر به طلاق در استان فارس است. روش تحقیق در این پژوهش تحلیل ثانویه است. داده‌ها از پایگاه داده‌های مرکز آمار ایران و سازمان ثبت احوال کشور اقتباس شد. نتایج نشان داد که در طول سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۸ بیشترین طلاق‌های رخ داده مربوط به ۴ تا ۹ سالگی ازدواج‌ها بوده است. اگر چه این آمار در طول سال‌های مختلف نوسان داشته‌ها در مجموع در طول این سال‌ها روند طلاق در ۴-۹ سالگی ازدواج رو به افزایش بوده است. همچنین آمار طلاق در ازدواج‌های قدیمی (۱۰-۱۴ سال و همچنین ۱۵ سال و بیشتر) از سال ۱۳۹۲ رو به افزایش بوده است. بیش از ۴۱ درصد از مجموع طلاق‌های رخ داده در این استان در سال ۱۳۹۸ و بیش از ۴۳ درصد از مجموع طلاق‌ها رخ داده در سال ۱۳۹۷، مربوط به ازدواج‌هایی است که ده سال یا بیشتر از آن گذشته است. این در حالی است که در بین زوج‌هایی که یک سال یا کمتر از یک سال از زندگی آنها گذشته، طلاق کمتری رخ داده است و کاهش آمار طلاق افراد زیر یک سال از سال ۱۳۹۲ مشهود است. نتایج نشان داد که در سال ۱۴۰۱ متوسط عمر ازدواج‌هایی که منجر طلاق شده اند در استان فارس ۱۱/۹ سال است و نسبت به سال گذشته که عدد ۱۱/۱ بوده است افزایش یافته است.

واژگان کلیدی: تداوم ازدواج، طلاق، تحلیل ثانویه

۱- دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران، پژوهشگر اندیشگاه مطالعات فلسفه و سبک زندگی. (نویسنده

مسئول) Bita.fateme@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز و پژوهشگر اندیشگاه مطالعات فلسفه و سبک زندگی.

خانواده نخستین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی محسوب می‌شود. تقویت این نهاد امکان افزایش انسجام اجتماعی را به عنوان پیش شرط ضروری توسعه، انسجام اجتماعی و تداوم و بازتولید نسل‌ها فراهم می‌سازد. مسئله ازدواج و طلاق به عنوان آغاز و پایان زندگی مشترک از مهم‌ترین مسائل جوامع انسانی است که تشکیل و گسست بنیان خانواده را موجب می‌شود. در طول دهه‌های گذشته، تغییرات محسوس در نهاد خانواده صورت گرفته است. این تغییرات در ارزش‌ها و نگرش‌های مرتبط با همسرگزینی، تشکیل خانواده و کاهش دوام ازدواج منجر به طلاق - طول مدت ازدواج تا طلاق زوجین - بسیار مشهود است (حسینی و تیموری ارشد، ۱۳۹۸: ۱۱۷). این تغییر و تحولات و پیامدهای آن، ضرورت و اهمیت توجه به طلاق نه تنها از دیدگاه فردی، بلکه از دیدگاه اجتماعی - اقتصادی را بسیار برجسته می‌نماید. طلاق موضوعی اجتماعی است که اثرات سوء فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... بسیاری را بر پیکر جامعه از خود بر جای می‌گذارد. امروزه موضوع طلاق و انحلال زندگی خانوادگی به عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی و همچنین از عوامل زمینه‌ساز و تاثیرگذار بر دیگر آسیب‌های اجتماعی گوناگون در جامعه ایران مطرح است. به همین علت پرداختن به مسائلی چون دوام ازدواج منجر به طلاق با توجه به حساسیت‌های فراوان آن در جامعه ایرانی، بدون اطلاع از آمار و اطلاعات دقیق میسر نیست.

«شاخص دوام زندگی» به عنوان یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های مرتبط با بررسی وضعیت طلاق در کشور، طول مدت ازدواج تا زمان طلاق را مورد سنجش قرار می‌دهد و در واقع طول عمر ازدواج‌های مختوم به طلاق را نشان می‌دهد. در شاخص دوام زندگی، موضوع اصلی سنجش دوام و پایداری ازدواج‌ها است. کاهش دوام ازدواج یکی از مسائل اجتماعی امروز جامعه ی ایران است. گسترش این پدیده نقش تعیین کننده‌ای در تداوم باروری زیر سطح جایگزینی دارد (حسینی و تیموری ارشد، ۱۳۹۸: ۱۱۸). رابطه ای معکوس میان نسبت طلاق به ازدواج و دوام ازدواج منجر به طلاق وجود دارد. با افزایش نسبت طلاق به ازدواج، دوام ازدواج منجر به طلاق کاهش می‌یابد. بر اساس، گزارش‌های سازمان ثبت احوال در سال ۱۴۰۰ بیش از ۲۰۱ هزار طلاق به ثبت رسیده است که به نسبت سال گذشته ۷/۸ درصد افزایش داشته است (سالنامه آماری ۱۴۰۰). سال ۱۴۰۰ میانگین دوام ازدواج منجر به طلاق در کشور ۸/۷۱ سال است.

در سال ۱۴۰۰ از مجموع طلاق‌های ثبت شده در فارس ۱۰۶۱۱ و طول مدت ازدواج در ۳۰ درصد آن‌ها کمتر از ۴ سال و در ۵۳ درصد کمتر از ۱۰ سال بوده است. میزان طلاق زنان متاهل در استان فارس ۷/۹ و در کشور ۸/۹ در هر ۱۰۰۰ نفر زن دارای همسر محاسبه شده است.

طلاق یکی از انواع گسیختگی‌های خانوادگی است که به دلیل رابطه آن با انواع آسیب‌های اجتماعی مثل تغییر نگرش نسبت به تداوم زندگی، رشد همبستگی‌ها، فرار، روابط نامشروع، رواج زندگی مجردی، روسپی‌گری، اعتیاد، جرم، بزهکاری، و...مورد اهمیت می‌باشد. لذا افزایش گسترده افرادی که درگیر این آسیب‌ها هستند، ایجاب می‌کند پدیده طلاق، دلایل آن و پیامدهای آن در عرصه خرد و کلان اجتماعی بررسی و واکاوی شود. به اعتقاد جامعه‌شناسان، تبدیل یک مسأله به مسأله اجتماعی، مستلزم تبدیل شدن مسأله از یک گرفتاری خصوصی و شخصی، به یک مسأله عام ساخت اجتماعی است و زمانی به عنوان مسأله اجتماعی مطرح می‌شود که از حد معینی خارج شده و فراوانی آن غیر متعارف گردد و نیاز به ایجاد تغییر در آن خصوص احساس شود. بدین لحاظ امروزه، طلاق دیگر یک مشکل فردی نیست بلکه یک مسأله عام ساخت اجتماعی است. طلاق یک فرآیند چند مرحله‌ای است که نه تنها بر نحوه ارتباط افراد خانواده تأثیر می‌گذارد، بلکه کل جامعه را درگیر مشکلات جدی، عمیق و جبران‌ناپذیری می‌کند (طاهری بنچاری، آقاجانی مرساءو کلدی، ۱۳۹۷: ۱۴۱).

هم زمان با تغییرات در حوزه خانواده و ازدواج، تغییرات گسترده‌ای در زمینه رفتارهای باروری نیز در کشور صورت گرفته است. باروری پایین‌تر از سطح جایگزینی فراگیر شده است. تداوم این سطح از باروری پیامدهای جمعیت‌شناختی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بسیاری در پی خواهد داشت. با توجه به ساختار اجتماعی فرهنگی جامعه ی ایران و این واقعیت که فرزندآوری در چارچوب نهاد خانواده به رسمیت شناخته می‌شود، دوام ازدواج منجر به طلاق و تغییرات و نوسان‌های آن، در کنار عوامل دیگر، نقش مهمی در روندهای آینده ی باروری در کشور خواهد داشت (حسینی و تیموری ارشد، ۱۳۹۸: ۱۱۸). با توجه به اینکه خانواده و دوام آن از اهمیت زیادی برخوردار است و بی‌ثباتی و طلاق می‌تواند اثرات سوء بر جامعه داشته باشد، آگاهی از وضعیت دوام ازدواج‌ها منجر به طلاق در استان فارس می‌تواند کمک موثری به سیاست‌گذاری‌های مرتبط با ازدواج، خانواده و فرزندآوری باشد. لذا این پژوهش با هدف بررسی دوام ازدواج در استان فارس و شهرستان‌های این استان انجام شد. با این حال این سوال مطرح است که وضعیت دام ازدواج در فارس و شهرستان‌هایش چگونه است؟

پژوهش‌های پیشین اغلب در سطح خرد و با روش پیمایش به تبیین طلاق پرداخته و بیشتر بر تعیین‌کننده‌های فردی طلاق یعنی اشتغال زن، تحصیلات زوجین، شمار فرزند، اختلاف عقاید زوجین، اعتیاد و سوء مصرف الکل، مشکلات جنسی، خشونت

خانوادگی و ... تأکید داشته اند (بلالی، نقدی و جعفری، ۱۳۹۸؛ تقوی دینانی، باقری و خلعتبری، ۱۳۹۹؛ فولادیان و شجاعی، ۱۳۹۹؛ شهریاری و نواب، ۱۴۰۱؛ ستوده، قربانی، دارینی و سوری، ۱۴۰۱؛ خطیبی و عالی خانی پور، ۱۴۰۱).
شماره از پژوهش های انجام شده در سطح کلان نیز از سنجه های نسبت ازدواج به طلاق و یا میزان خام طلاق استفاده نمود ه اند (نائینی و همکاران، ۱۳۹۲؛ بحرانی ۱۳۹۲؛ آقاجانیان و تامسون، ۲۰۱۳؛ هزارجریبی و همکاران، ۲۰۱۷). اگرچه این دو شاخص به راحتی قابل محاسبه اند، اما پراکندگی زمانی و اطلاعات تفصیلی درباره ی طلاق های ثبت شده را در نظر نمی گیرند. بنابراین، سنجه های قابل اعتمادی برای بررسی وضعیت طلاق نیستند. در این مقاله، از طرفی داده ها در سطح کلان گردآوری شده است. از سوی دیگر، از شاخص دوام ازدواج منجر به طلاق استفاده شده که شاخص دقیق تری نسبت به دو شاخص یاد شده است.

۲- چارچوب نظری

نظریه ها و رویکردهای مختلفی در تبیین پدیده طلاق و روند افزایشی آن ارائه شده است. در اینجا به طور خلاصه دو رویکرد ساختی- نهادی و رویکرد نگرشی- ارزشی بیان می شود.

در تبیین طلاق آن دسته از نظریه هایی که بر تغییر ساختارها و عوامل اقتصادی، اجتماعی و نهادی جامعه به عنوان بسترهای طلاق تأکید دارند، در چارچوب "تبیین ساختی- نهادی طلاق" مطرح می شوند. در درون این دسته از رویکردهای تبیینی، نظریه نوسازی سرآمد می باشد. در تبیین ساختاری، بر تغییر منظومه ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه تأکید می شود. تغییرات ساختاری عمدتاً از طریق نشانگرهای رشد صنعتی، شهرنشینی، آموزش، درآمد و مصرف، حمل و نقل و ارتباطات و اشکال متعدد فناوری های جدید تبیین می شوند (جایاکودی و همکاران، ۲۰۰۷؛ به نقل از صادقی ۱۳۹۴: ۴). این رویکرد، تحولات خانواده را به تغییرات ساختاری در زندگی اجتماعی به جهت ظهور نیروهای جدید اجتماعی، یعنی سه جریان صنعتی شدن، شهرنشینی و آموزش همگانی، مرتبط می کند. بر این اساس، تحولات ازدواج و خانواده به عنوان سازگاری نظام مند با تغییر در شرایط نظام اجتماعی کل یا به عبارتی انطباق با شرایط اقتصادی اجتماعی تغییر یافته در نظر گرفته می شوند (عباسی شوازی و صادقی، ۱۳۸۴: ۲۶).

در مقابل، رویکرد تبیین نگرشی - ارزشی بر نظریه ها و دیدگاه هایی تأکید دارد که بر نقش تغییرات ارزشی و فرهنگی در افزایش میزان -های طلاق تأکید دارند (تورنتون، ۲۰۰۴؛ به نقل از صادقی ۱۳۹۴: ۴). در رویکرد ارزشی - نگرشی - طبق نظریه بحران ارزش -ها- در جوامع انتقالی مشکلاتی در اثر کشاکش سنت و مدرنیته پدید می آید. در این مرحله برزخی، عناصر اخلاقی و ارزش های اجتماعی، بیش از هر چیز دیگر تغییر وضع می دهند و نظام ارزش های جامعه دستخوش آشوب می گردد. بازتاب این وضعیت را می توان در نظام ارزش های خانواده مشاهده نمود. ولی از آنجا که سرعت حرکت هر فرهنگ، با حرکت اقتصادی و نوآوری های تکنولوژیکی یکسان نیست، نسل هایی که در معرض چنین تحولات سریع اجتماعی قرار می گیرند، نمی توانند معیارهای همه پسندی برای وظیفه، فداکاری و ارزش های همانند آن داشته باشند. در این شرایط، کشمکش درون خانواده بروز می کند و نابسامانی خانواده و طلاق افزایش می یابد (حبیب پورگنابی و نازک تبار، ۱۳۹۰: ۲).

میزان تأثیرپذیری خانواده ایرانی از ویژگی های جامعه مدرن، از جمله: افزایش تحصیلات، اشتغال زنان در مشاغل جدید، افزایش فردگرایی، رشد و بسط عاملیت، عدم پابندی به سنت ها، افزایش فرصت ها و بهره گیری از فناوری های مدرن ارتباطی در شکل -گیری این دگرگونی ها نقش عمده ای داشته اند. سرعت تحولات و بعضاً غیرقابل کنترل بودن تغییرات، ایجاد گسست هایی در لایه های پنهان روابط و ساختارها، ایجاد قرابت با الگوهای غربی خانواده در برخی وجوه و حمایت های حکومت دینی از جنبه های دینی- سنتی خانواده، از عوامل پشتیبان تغییر و تداوم خانواده در ایران است. همچنین عرفی شدن بخش زیادی از رفتارهای درون خانواده، کثیر منابع معنابخش به کنش های افراد، کاهش نقش آموزه های دینی در شکل دادن به کنش ها و روابط درون خانواده و جایگزینی ارزش -های فردگرایانه به جای ارزش -های جمع گرایانه در خانواده مدرن ایرانی در حال شکل -گیری است (لولا آور، ۱۳۹۰). چنین تغییرات فرهنگی و ارزشی، پذیرش طلاق را آسان تر ساخته است. بنابراین، امروزه برداشت مردم از طلاق نسبت به دهه های گذشته تغییر کرده و طلاق برای مردم قابل قبول تر شده است (صادقی، ۱۳۹۴: ۵). بدین ترتیب، در این مقاله از "رویکرد ساختی- نهادی" به عنوان چارچوب نظری تبیین طلاق استفاده شد. بر اساس رویکرد نظری اتخاذ شده، شهرنشینی و سطح توسعه ی شهرستان ها به عنوان یکی از شاخص های نوسازی به طور غیر مستقیم از طریق تأثیر بر بیکاری مردان، نسبت جنسی دانش آموخته های دانشگاهی، نسبت جنسی باسوادان، تفاوت میانگین سن ازدواج مردان و زنان و استقلال زنان که با متغیر تحصیلات و مشارکت اقتصادی آنها عملیاتی می شود، باعث کاهش دوام ازدواج می شود.

۳- روش تحقیق

روش تحقیق تحلیل ثانویه است و رویکرد آماری برای تحلیل داده‌ها، مقطعی است. جمعیت آماری شهرستان‌های فارس در سالنامه‌های آماری است. واحد تحلیل و واحد نمونه‌گیری شهرستان است. شهرستان واحدی از تقسیمات کشوری است که دارای فرمانداری است. مبنای انتخاب شهرستان‌ها در دسترس بودن اطلاعات مربوط به متغیر وابسته برای آن‌ها در سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۱ است. داده‌ها از دو منبع و مرجع آماری کشور یعنی مرکز آمار ایران و سازمان ثبت احوال کشور و استان فارس گردآوری و اقتباس شد. داده‌های مربوط به دوام ازدواج منجر به طلاق، شاخص طول مدت زندگی مشترک در زمان ثبت طلاق یا فاصله‌ی واقعه‌ی ازدواج و رویداد طلاق برای یک زوج را نشان می‌دهد و از تقسیم مجموع سال‌های بین ازدواج و طلاق در طلاق‌های ثبت شده در یک مقطع زمانی معین بر شمار کل طلاق‌های ثبت شده در همان مقطع زمانی به دست می‌آید (حاتم و تیموری ارشد، ۱۳۹۸: ۱۲۹).

۴- یافته‌ها

یکی از عوامل تاثیرگذار بر میزان طلاق، سنوات زناشویی است. فراوانی طلاق در بین زوجین با سنوات زناشویی مختلف دارای توزیع یکسانی نیست. جدول شماره (۱) تعداد طلاق‌های ثبت شده بر حسب طول مدت ازدواج در کل استان فارس در سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۱ را نشان می‌دهد. چنان‌که نمایان است، در طول سال‌های مورد بررسی بیشترین طلاق‌های رخ داده مربوط به ۴ تا ۹ سالگی ازدواج‌ها بوده است. اگر چه این آمار در طول سال‌های مختلف نوسان داشته متنها در مجموع در طول این سال‌ها روند طلاق در ۴-۹ سالگی ازدواج رو به افزایش بوده است. نکته قابل توجه دیگر افزایش طلاق در حالی است که ۱۵ سال و بیشتر از زندگی مشترک گذشته است. آمار طلاق در ازدواج‌های قدیمی (۱۰الی ۱۴ سال و همچنین ۱۵ سال و بیشتر) از سال ۱۳۹۲ رو به افزایش بوده است. بیش از ۴۱ درصد از مجموع طلاق‌های رخ داده در این استان در سال ۱۳۹۸ و بیش از ۴۳ درصد از مجموع طلاق‌ها رخ داده در سال ۱۳۹۷، مربوط به ازدواج‌هایی است که ده سال یا بیشتر از آن می‌گذشته است. این در حالی است که آمار طلاق در بین زوج‌هایی که یک سال یا کمتر از یک سال از زندگی آنها گذشته طلاق کمتری رخ داده است و کاهش آمار طلاق افراد زیر یک سال از سال ۱۳۹۲ مشهود است.

جدول شماره (۱) تعداد طلاق‌های ثبت شده بر حسب طول مدت ازدواج در کل استان فارس (۱۳۸۹-۱۳۹۸) برگرفته از سالنامه آماری ثبت احوال کشوری

سال	کمتر از یک سال	یک سال	دو سال	سه سال	۴-۹ سال	۱۰-۱۴ سال	۱۵ سال و بیشتر
سال ۱۳۸۹	۱۲۲۱	۱۱۱۷	۸۳۴	۶۶۶	۲۰۲۵	۷۶۶	۱۲۰۹
سال ۱۳۹۰	۹۸۲	۱۱۰۸	۸۶۸	۷۳۵	۲۳۲۸	۸۷۳	۱۱۷۹
سال ۱۳۹۱	۱۰۴۶	۹۸۶	۸۷۴	۶۵۵	۲۱۰۰	۷۷۰	۱۱۲۳
سال ۱۳۹۲	۱۲۳۲	۱۱۸۴	۹۳۱	۷۵۷	۲۷۹۴	۱۰۶۶	۱۴۷۵
سال ۱۳۹۳	۱۰۰۷	۹۸۹	۸۶۴	۷۰۶	۲۵۱۱	۹۱۱	۱۲۱۴
سال ۱۳۹۴	۸۴۴	۹۱۹	۷۸۷	۶۲۳	۲۲۶۳	۱۰۲۳	۱۲۶۹
سال ۱۳۹۵	۷۲۵	۱۰۰۷	۹۴۰	۸۰۶	۲۹۵۲	۱۲۵۹	۱۶۵۱
سال ۱۳۹۶	۶۰۰	۹۴۳	۷۶۶	۷۴۸	۳۰۳۴	۱۴۴۵	۱۹۷۰
سال ۱۳۹۷	۵۵۶	۸۸۸	۷۹۱	۷۹۵	۲۸۲۸	۱۸۶۷	۲۶۳۰
سال ۱۳۹۸	۴۵۸	۷۷۲	۷۷۷	۷۲۰	۳۱۸۳	۱۸۶۰	۲۳۲۳
سال ۱۳۹۹	۴۵۵	۷۱۷	۶۹۶	۷۱۰	۳۱۱۲	۱۸۸۹	۲۵۰۳
سال ۱۴۰۰	۵۱۰	۶۹۷	۷۱۷	۶۷۲	۳۰۵۹	۲۰۲۸	۲۹۲۸

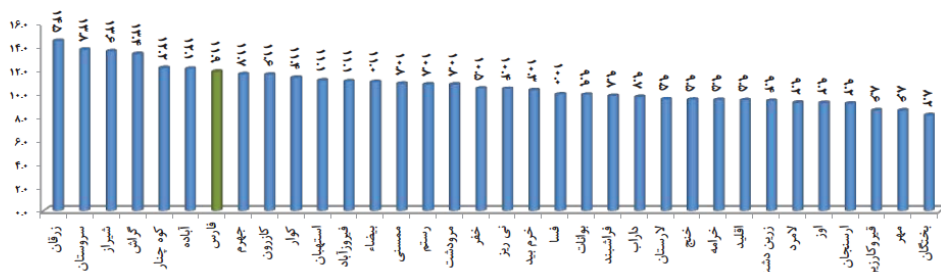
یکی از عوامل تاثیرگذار بر میزان طلاق، سنوات زناشویی است. فراوانی طلاق در بین زوجین با سنوات زناشویی مختلف، دارای توزیع یکسانی نیست. با توجه به جدول ۱ همان‌گونه که مشاهده می‌شود بیشتر طلاق‌ها در سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ پس از گذشت کمتر از یکسال از زندگی مشترک رخ داده است. شاید بتوان گفت حجم زیادی از این نوع طلاق‌ها مربوط به طلاق‌هایی است که پس از عقد و قبل از عروسی، صورت گرفته است. کمترین تعداد طلاق‌ها مربوط به زوج‌هایی است که بین ۱۰ - ۱۵

سال زندگی مشترک داشته اند. اما در سال‌های بعد یعنی سال ۱۳۹۸ به بعد، بیشتر طلاق‌ها در ۴ تا ۹ سال بعد از شروع زندگی مشترک اتفاق افتاده است.

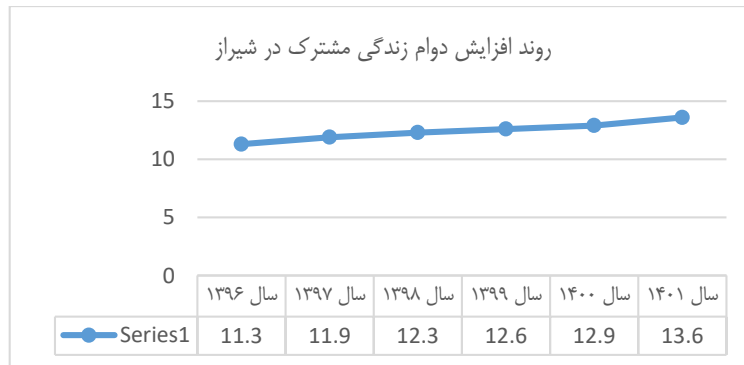
جدول ۲ میانگین طول مدت ازدواج شهرستان‌های استان فارس برگرفته از سالنامه آماری ثبت احوال استان فارس

شهرستان	سال ۱۳۹۶	سال ۱۳۹۷	سال ۱۳۹۸	سال ۱۳۹۹	سال ۱۴۰۰	سال ۱۴۰۱
کل استان	۹,۵	۱۰,۰	۱۰,۳	۱۰,۶	۱۱,۱	۱۱,۹
شیراز	۱۱,۳	۱۱,۹	۱۲,۳	۱۲,۶	۱۲,۹	۱۳,۶
سروستان	۱۰,۴	۱۱,۱	۱۰,۲	۱۱,۹	۱۰,۴	۱۳,۸
آباده	۹,۱	۹,۶	۱۰,۴	۱۰,۵	۱۰,۹	۱۲,۱
چهرم	۷,۳	۹,۱	۹,۵	۱۰,۰	۱۰,۲	۱۱,۷
کازرون	۸,۸		۱۰,۲	۱۰,۴	۱۰,۷	۱۱,۶
کوار	۱۰,۰	۷,۳	۹,۴	۹,۴	۹,۶	۱۱,۴
استهبان	۸,۵	۸,۰	۸,۲	۹,۹	۸,۸	۱۱,۱
فیروزآباد	۸,۴	۸,۹	۸,۳	۹,۰	۱۰,۵	۱۱,۱
ممسنی	۸,۷	۹,۹	۹,۶	۹,۲	۱۰,۴	۱۰,۸
رستم	۷,۳	۷,۸	۷,۷	۸,۵	۱۰,۱	۱۰,۸
مرودشت	۸,۶	۹,۱	۹,۲	۹,۶	۱۰,۵	۱۰,۸
نی ریز	۸,۶	۸,۵	۸,۸	۸,۶	۸,۸	۱۰,۴
خرم بید	۷,۷	۸,۴	۸,۴	۸,۳	۹,۸	۱۰,۳
فسا	۸,۰	۸,۶	۹,۰	۹,۶	۱۰,۰	۱۰,۰
بوانات		۶,۸	۸,۷	۷,۷	۸,۵	۹,۹
فراشبند	۸,۵	۹,۲	۷,۳	۹,۴	۷,۶	۹,۸
داراب	۷,۶	۸,۱	۸,۸	۹,۱	۹,۳	۹,۷
لارستان	۷,۲	۸,۲	۸,۳	۹,۰	۹,۳	۹,۵
خنج	۷,۰	۶,۱	۶,۳	۷,۱	۷,۲	۹,۵
خرامه	۵,۲	۶,۱	۸,۴	۸,۷	۹,۸	۹,۵
اقلید	۷,۴	۷,۰	۸,۵	۸,۱	۷,۹	۹,۵
زرین دشت	۶,۸	۸,۱	۷,۷	۶,۶	۹,۳	۹,۴
لامرد	۷,۱	۶,۱	۸,۲	۷,۷	۷,۴	۹,۲
ارسنجان	۶,۴	۷,۸	۸,۱	۸,۲	۹,۴	۹,۲
قیبر و کارزین	۶,۴	۷,۲	۸,۲	۷,۹	۷,۶	۸,۶
مهر	۶,۹	۵,۶	۶,۳	۷,۱	۸,۴	۸,۶

همان‌طور که مشاهده می‌شود شیراز، سروستان و آباده بیشترین طول و دوام زندگی مشترک را داشتند و شهرستان‌های مهر، قیبر و کارزین و ارسنجان کمترین دوام طول زندگی مشترک را داشتند.



نمودار ۱ میانگین طول مدت ازدواج در طلاق شهرستان‌های استان فارس سال ۱۴۰۱ (ماخذ: سالنامه آماری ثبت احوال فارس ۱۴۰۱)



نمودار ۲ روند افزایش دوام زندگی مشترک در شیراز از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱

۵- بحث و نتیجه‌گیری

در ایران نهاد خانواده در طول چند دهه گذشته دگرگونی‌های عمیقی در حوزه‌های نگرشی و رفتاری تجربه کرده است. یکی از ابعاد این تحولات، از هم گسیختگی خانواده و کاهش دوام ازدواج منجر به طلاق است. گسترش این پدیده پیامدهای بسیاری در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، جمعیت‌شناختی، روان‌شناختی، قانونی و والدینی برای مردان و زنان مطلقه، فرزندان طلاق و جامعه دارد. مطالعه حاضر به منظور بررسی تداوم ازدواج‌های منجر به طلاق در استان فارس طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۱ انجام شده است.

بررسی تحقیقات پیشین نشان داد که مقالات اغلب در سطح خرد و با روش پیمایش به تبیین طلاق و تعیین‌کننده‌های آن پرداخته‌اند. در پژوهش‌هایی هم که در سطح کلان صورت گرفته از سنجه‌های نسبت ازدواج به طلاق و یا میزان خام طلاق به عنوان شاخص از هم گسیختگی خانواده استفاده شده است. این دو شاخص اگرچه به آسانی قابل محاسبه‌اند اما سنجه‌های قابل اعتمادی برای بررسی وضعیت طلاق نیستند. در این مقاله، از شاخص دوام ازدواج منجر به طلاق که دقت بیشتری نسبت به دو شاخص یاد شده دارد استفاده شد. برای رسیدن به این هدف از تحلیل ثانویه اطلاعات، استفاده شد.

نتایج نشان داد که در سال ۱۴۰۱ متوسط عمر ازدواج‌هایی که منجر به طلاق شده‌اند در استان فارس ۱۱/۹ سال است و نسبت به سال گذشته که عدد ۱۱/۱ بوده است افزایش یافته است. روند افزایشی این عدد می‌تواند به دلیل افزایش طلاق در زوج‌های قدیمی‌تر باشد. از علت‌های احتمالی طلاق در ازدواج‌های قدیمی می‌تواند مشکلات شخصیتی، ناکافی بودن همسر، مادی‌دین شاخص‌های ارزیابی موفقیت در زندگی مشترک، ضعف اخلاق، ضعف در عمل به مسئولیت‌های زندگی مشترک، تمایل به تغییر در سبک زندگی، یکسویه نگاه کردن و مطالبات یک طرفه از زندگی مشترک باشد. همچنین یکی از علت‌های احتمالی کمتر بودن طلاق در سال‌های اولیه ازدواج به نسبت ازدواج‌های قدیمی‌تر، می‌تواند اجرایی شدن برنامه‌های تحکیم خانواده مانند طرح بهارنکو، علوم پزشکی و دادگستری و دیگر ارگان‌های ذی‌ربط در سال‌های اخیر باشد.

مقایسه میانگین طول مدت ازدواج بر اساس ازدواج‌های ثبت شده در شهرستان‌ها نشان می‌دهد در شهرستان‌های زرقان، سروسدان و شیراز این میانگین بیشتر و در شهرستان‌های بختگان، مهر و قیر و کارزین کمتر از سایر شهرستان‌ها است. بررسی میانگین طول مدت ازدواج در سال‌های گذشته نیز نشان می‌دهد هر سال شهرستان شیراز بالاترین میانگین طول مدت ازدواج را دارد و می‌تواند به دلیل احتمال بیشتر وقوع طلاق در ازدواج‌های قدیمی در کلان‌شهرها به تبع توسعه یافته‌تر بودنشان باشد. این احتمال وجود دارد که سطح توسعه شهرستان، نسبت جنسی با سوادان، نسبت جنسی دانش‌آموخته‌های دانشگاهی، میزان بیکاری مردان و تفاوت میانگین سن ازدواج مردان و زنان به ترتیب بیشترین تأثیر را بر تغییرات متغیر وابسته در شهرستان‌ها گذاشته است.

بر اساس نظریه گذار جمعیت‌شناختی دوام، تغییرات خانواده متأثر از تحولاتی است که در سطح کلان در جامعه رخ می‌دهد. افزایش سطح توسعه از جمله این تغییرات است. در فرآیند توسعه، با بهبود وضع سواد، سطح تحصیلات و اشتغال زنان موقعیت آنها در ساختار خانواده بهبود می‌یابد. در شهرستان‌های توسعه یافته‌تر، گسترش امکانات آموزشی و بهبود وضعیت سوادآموزی موجب شده است تا زوجین از توانایی بیشتری برای درک یکدیگر برخوردار باشند. هرچه سطح توسعه بالاتر، سطح تحصیلی زوجین بالاتر، درک آن‌ها از یکدیگر بیشتر و امکان بروز تنش و تعارض در زندگی زناشویی کمتر خواهد شد. در نتیجه، گرایش به طلاق کمتر و زندگی زناشویی دوام بیشتری می‌یابد. در شهرستان‌های توسعه یافته‌تر بیکاری مردان و اختلاف میانگین سن ازدواج مردان و زنان کمتر است. این امر موجب شده است زوجین کمتر دچار ناسازگاری در روابط زناشویی شوند. علاوه بر این‌ها، تأثیر مستقیم درجه توسعه یافتگی شهرستان‌ها بر دوام ازدواج منجر به طلاق گویای این واقعیت است که در مناطق توسعه یافته‌تر طلاق به

پدیده ای همه گیر در میان گروه های هم دوره ی ازدواجی مختلف تبدیل شده است. در واقع، افرادی با طول زندگی های مشترک متفاوت اقدام به طلاق می کنند. همین سبب می شود در شهرستان های توسعه یافته تر دوام ازدواج منجر به طلاق بیشتر از شهرستان های کمتر توسعه یافته تری باشد که در آنها طلاق بیشتر در گروه های هم دوره ازدواجی اخیرتر رخ می دهد (حسینی و تیموری، ۱۳۹۸).

۶- محدودیت های پژوهش

بررسی حاضر از نوع تحلیل ثانویه است. یکی از محدودیت ها در این گونه پژوهش ها، تعداد محدود متغیرهای مورد بررسی است. بنابراین، در به کارگیری و استفاده از یافته های چنین پژوهش هایی همواره باید احتیاط کرد. بی تردید، انجام بررسی هایی در سطح خرد و یا بررسی های در سطح کلان، منتهی با شمار بیشتری متغیر، بهتر می تواند روابط و سازوکار تأثیر و تأثر تعیین کننده های دوام ازدواج منجر به طلاق را به تصویر بکشد. با توجه به افزایش میزان طلاق ها در ازدواج های قدیمی تر پیشنهاد می شود که علت طلاق ها در سال های بالاتر ازدواج بررسی شود و بر اساس آن برای کاهش میزان طلاق در خانواده ها برنامه ریزی های متناسب اتخاذ شود.

منابع

۱. بحرانی، محمود (۱۳۹۲). تحلیل آمارهای ازدواج و طلاق زوج های ایرانی طی پنج دهه گذشته. جمعیت، ۲۰(۸۵)، ۴۳-۵۶.
۲. بلالی، اسماعیل، نقدی، اسداله و جعفری، راهله (۱۳۹۸). جامعه پذیری و طلاق: بررسی پدیده طلاق با رویکرد فرایندی، تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۸، ۱، ۴۴-۵۶.
۳. تقوی دینانی، پرستو، باقری، فریبرز و خلعتبری، جواد (۱۳۹۹). مطالعه کیفی تجارب مردان و زنان طلاق گرفته از عوامل روانشناختی موثر در طلاق، مجله علوم روانشناختی، ۱۹، ۸۶، ۲۱۳-۲۲۸.
۴. سپیدنامه، بهروز و قیصریان، اسحاق (۱۳۹۳). بررسی وضعیت ازدواج و طلاق در استان ایلام طی سال های ۱۳۸۵-۱۳۹۲، نشریه فرهنگ ایلام، سال پانزدهم شماره ۴۴ (پیاپی ۴۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۳).
۵. حبیب پور گنابی، کرم و نازک تبار، حسین (۱۳۹۰). "عوامل طلاق در استان مازندران". مطالعات راهبردی زنان. سال چهاردهم، شماره ۵۳، صص ۸۷-۱۲۷.
۶. حسینی، حاتم و تیموری راشد، رضا (۱۳۹۸) تبیین دوام ازدواج منجر به طلاق در ایران، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، ۱۴، ۲۷، ۱۱۵-۱۵۳.
۷. خطیبی، اعظم و عالی خانی پور، علی (۱۴۰۱). بررسی تاثیر عوامل اجتماعی و تصور از پیامدهای خوشایند بعد از طلاق بر طلاق توافقی (از دیدگاه متقاضیان طلاق شهرستان همدان)، خانواده پژوهی، ۱۸، ۱، ۶۹-۷۵.
۸. سالنامه های آماری از سال ۱۳۸۹-۱۴۰۱، سازمان ثبت احوال کشوری و استان فارس.
۹. ستوده، نعمت، قربانی، راهب، دارینی، علی و سوری، زینب (۱۴۰۱). بررسی عوامل موثر بر طلاق در متقاضیان طلاق شهرستان سمنان، کومش، ۲۴، ۳(۸۹)، ۳۲۷-۳۳۷.
۱۰. شهریار مرزیه و نواح، عبدالرضا (۱۴۰۱). تجربه زیسته زنان متقاضی طلاق از فرایندهای وقوع طلاق، تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۵، ۱، ۹۷-۱۲۰.
۱۱. صادقی، رسول (۱۳۹۴). عوامل اقتصادی- اجتماعی موثر بر طلاق جوانان در ایران، مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۱۵، ۳۲(۳۲)، ۱۸۹-۲۰۵.
۱۲. طاهری بنچناری، رویا، آقاجانی مرساء، حسین و کلدی، علیرضا (۱۳۹۷). واکاوی پدیده طلاق، ریشه ها و پیامد ها در شهر تهران ۱۳۹۵، بررسی مسایل اجتماعی ایران (نامه علوم اجتماعی)، ۹، ۲، ۱۳۹-۱۶۴.
۱۳. عباسی شوازی، محمدجلال و صادقی، رسول (۱۳۸۴). "قومیت والگوهای ازدواج در ایران". پژوهش زنان. دوره ۳، شماره ۱، صص ۲۵-۴۷.
۱۴. فولادیان، مجید و شجاعی قلعه نی، مینا (۱۳۹۹). مطالعه جامعه شناختی فرایندهای وقوع طلاق، خانواده پژوهی، ۱۶، ۶۲، ۲۳۱-۲۵۷.
۱۵. لولآور، منصوره (۱۳۹۰). تحلیل جامعه شناختی تأثیر ویژگی های جامعه مدرن بر تحول خانواده در ایران طی سه دهه اخیر: مطالعه شهرتهران ۱۳۹۰-۱۳۸۹". پایان نامه دکتری جامعه شناسی، دانشگاه تهران.

۱۶. نایینی، عذرا، توسلی، عباس، حطیطه، محمد رضا، و بشیری، یوسف (۱۳۹۲). بررسی وضع زناشویی جمعیت کشور در سرشماری های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، پژوهشکده آمار، گروه پژوهشی طرح های فنی و روش های آماری. تهران: مرکز آمار ایران.

17. Aghajanian, A., & Thompson, V. (2013). Recent divorce trend in Iran. *Journal of Divorce & Remarriage*, 54(2), 112-125. <https://doi.org/10.1080/10502556.2012.752687>
18. Hezarjaribi, J., Entezari, A., & Niyati, M. (2017). Divorce trends in Iran between 2004-2013. *Journal of History Culture and Art Research*, 6(4), 1108-1122. <https://doi.org/10.7596/taksad.v6i4.1133>